

از بس ستاره کشتید روی زمان سیاه است  
هم این زمین سیاه است هم آسمان سیاه است

روسته زان نشستید در پیشگاه تاریخ  
کز اینهمه جنایت، رخسارتان سیاه است

دست قلم شکستید، پای سخن بستید  
ای روشنی ستیزان، افکارتان سیاه است

هر تار موی یک زن، بندد مسیر تقوا؟  
این خود گواه آن بس، پندارتان سیاه است

هر حيله ای که دارید، در آستین تزویر  
هر جادویی که بستید در کارتان سیاه است

هر خطبه ای که خواندید، هر جمعه بر سرکوی  
خلقی گریست زیرا، گفتارتان سیاه است

میخانه‌ها بستید، بتخانه‌ها گشودید  
با خون وضو نمودید، کردارتان سیاه است

شد پرده‌ی سیاهی، معیار پاکی زن  
ای صبحدم گریزان، معیارتان سیاه است

زین شرم، روی ما نیز در هر مکان سیاه است  
از بس ستاره کشتید روی زمان سیاه است

شیرین رضویان / لندن

آوریل ۲۰۰۰

